

# بررسی اسپونریزم در گفتار کودکان ۴-۶ ساله فارسی زبان: رویکردی روان‌زبان‌شناختی

علی کریمی فیروزجایی<sup>۱\*</sup>، هانیه یارمند<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دکتری زبان‌شناسی همگانی، تهران، ایران

## چکیده

اسپونریزم نوع خاصی از لغزش‌های سهوی زبان است. هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولید شده توسط کودکان جهت تعیین نقش نظم حاکم بر این لغزش زبانی در پیش‌بینی عملکرد نظام ذهنی کودکان در فرآیند تولید آنها می‌باشد. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. نمونه‌های تحقیق شامل ۳۳ مورد اسپونریزم است که از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس از گفتار عادی کودکان ۴ تا ۶ ساله فارسی‌زبان ۴ مهدکودک شهر تهران گردآوری شده است. شایان‌ذکر است که وضعیت زبانی کلیه کودکان که اسپونریزم‌ها را تولید کرده بودند به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شد و فقط اسپونریزم‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشت، در نتیجه از ۴۰ مورد اسپونریزم جمع‌آوری شده ۳۳ مورد در پژوهش بررسی شد. به‌منظور بررسی داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که آغازه‌ها در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. همچنین درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان فارسی‌زبان بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

**کلید واژه‌ها:** لغزش‌زبانی، اسپونریزم آوایی، اسپونریزم تکواژی، روان‌زبان‌شناختی

### ۱. مقدمه

ویلیام اسپونر<sup>۱</sup> (۱۹۳۰-۱۸۴۴) دانش‌آموخته و رئیس دانشگاه آکسفورد فردی بود که اغلب در کلامش حروف اول کلمات را جابجا تلفظ می‌کرد و جالب اینکه در برخی موارد با جابجا کردن این حروف، عبارات معنی‌داری ساخته می‌شد که معانی متفاوت و گاه در تناقض با معنی عبارت اصلی مشاهده می‌شد. عنوان اسپونریزم از نام او گرفته شده است. یکی از اسپونرهای او عبارت است از:

The lord is a shoving leopard to his flock  
 The lord is a loving shepherd to his flock

اگرچه اسپونریزم نوعی لغزش زبانی است که به صورت تصادفی در گفتار اتفاق می‌افتد اما مطالعات نشان می‌دهند اسپونریزم‌هایی که در گفتار اسپونر مشاهده شده با دقت طراحی شده و باید آن‌ها را بیشتر به شوخ‌طبعی او نسبت داد تا لغزش‌های زبانی غیرعمدی (رابینز، ۱۹۶۶، ۴۵۷-۴۶۵).

اسپونریزم نوعی لغزش زبانی است و در مواردی نوعی بازی با کلمات نیز می‌باشد که در آن همخوان‌ها، واژه‌ها و یا تکواژها در جمله، عبارت و یا کلمه با یکدیگر جابجا می‌شوند. لغزش‌های زبانی خطاهای غیر مکرر هستند که در همه انسان‌ها به‌طور طبیعی و عادی رخ می‌دهد اگرچه در برخی افراد و موقعیت‌ها بسامد بیشتری دارند (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). زبان پیچیده‌ترین فرایندی است که انسان در طول حیات خود آن را می‌آموزد. در واقع زبان یکی از وجوه تمایز انسان و حیوان و یکی از راه‌های ارتباط برقرارکردن با خود و دیگران است. هر گاه این ارتباط، به هر دلیلی دچار نقص شود، بر برخی از جوانب شخصیتی فرد تأثیر گذارنده و وی را با مشکل مواجه خواهد ساخت. زبان بخش قابل‌توجهی از نقش خود را به‌عنوان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نظام ارتباطی از راه گفتار ایفا می‌کند (افخمی و اسدی‌مطلق، ۱۳۸۲: ۳۱)؛ بنابراین، بررسی پدیده‌های مرتبط با گفتار که به شناخت بیشتر این جنبه از کارکرد زبان می‌انجامد موجب افزایش دانش مربوط به کلیت زبان خواهد شد. لغزش زبانی در این میان بسیار قابل‌توجه است، زیرا پدیده‌ای است که در آن نظام انتزاعی موجود در ذهن گوینده گاه به گونه‌ای که در ذهن جای گرفته عینیت نمی‌یابد و هنگامی که در قالب نظام آوایی زبان به لفظ کشیده می‌شود، تولید گفتار متفاوت با ذهنیت گوینده است. تعارضی که هنگام وقوع لغزش زبانی بین

ذهنیت موجود در ذهن و عینیت متبلور در گفتار پدید می‌آید ریشه در سازوکار ذهن و مغز انسان دارد که تبیین آن مستلزم ورود به حوزه‌های روان‌شناسی زبان و عصب‌شناسی زبان است (دل و سولین، ۲۰۰۳: ۱۰۰). پژوهش‌گرهایی که به بررسی لغزش‌های زبانی پرداخته‌اند هر یک اصطلاح‌هایی را به کار بسته‌اند که صرف‌نظر از تفاوت صوری، همگی به پدیده‌های واحد اشاره دارند. خطای گفتار<sup>۱</sup>، لغزش زبانی<sup>۲</sup>، خطای تشابهی<sup>۳</sup> و ابدال<sup>۴</sup> از آن جمله‌اند (افخمی و اسدی مطلق، ۱۳۸۲: ۳۲).

کریستال<sup>۵</sup> لغزش زبانی را «انحراف ناخواسته گوینده از تولید توالی مورد نظر واحدهای زبانی» می‌داند که بر «صدا، هجا، تکواژ و گاه واحدهای بزرگ‌تر دستوری» تأثیری گذارد. او اشتباه لفظ را، لغزش زبان از نوع «ابدال» می‌نامد (کریستال، ۱۹۸۷: ۲۶۳-۲۶۲). کریستال تعریفی از خطای گفتار به دست نمی‌دهد و حتی اشاره مستقیم به آن ندارد، اما در مبحث هجا، لغزش زبان را در زمره پدیده‌های مربوط به خطای گفتار می‌شناسد که نشان می‌دهد این دو از دیدگاه او متفاوت و در عین حال مربوط با یکدیگرند. کاپلان<sup>۶</sup> هم به این مسئله اشاره می‌کند که خطاهای گفتار تنها بر بخشی از ساختار آوایی یک واژه تأثیر می‌گذارند و این بدان معناست که برخی عناصر آوایی خاص در یک واژه از دیگر عناصر آوایی باقیمانده جدا می‌شوند و تحت تأثیر خطاهای تولیدی قرار می‌گیرند (کاپلان، ۱۹۹۲: ۱۱۱). یول<sup>۷</sup> معتقد است که لغزش زبانی گاه عبارات درهم‌ریخته را پدید می‌آورد و گاه واژه‌ها را جابجا می‌کند، این حالت اشتباه لفظ نیز نامیده می‌شود. او به انواع دیگری از لغزش زبان نیز اشاره می‌کند که در آن‌ها واج‌ها از یک واژه به واژه بعد منتقل می‌شود، یا واجی که در واژه بعد وجود دارد در واژه قبل نیز به کار می‌رود (اسپونریزم) و در نهایت یادآور می‌شود که لغزش‌های زبانی تصادفی نیستند و هیچ‌گاه زنجیرهای غیرقابل قبول واجی تولید نمی‌کنند (یول، ۱۹۹۶: ۱۷۲).

هدف از انجام این پژوهش بررسی نوع خاصی از لغزش زبانی با عنوان اسپونریزم در گفتار عادی کودکان ۴-۶ ساله فارسی‌زبان است تا به تعمیم‌ها و قواعدی برسیم که نشان دهند این لغزش‌ها گرچه غیرتکراری هستند اما از نظم خاصی پیروی می‌کنند. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: آیا ساختار زبان فارسی نقشی در اسپونریزم ایفا می‌کند؟ تفاوتی میان وقوع انواع اسپونریزم در کلام کودکان فارسی‌زبان وجود دارد؟ فرض بر این است که آغازه هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است همچنین درصد خطای اسپونریزم آوایی و

تکواژی در کودکان فارسی زبان یکسان نیست.

## ۲. پیشینه پژوهش

اصطلاح لغزش زبانی را نخستین بار فرامکین<sup>۱۰</sup> در سال ۱۹۷۱ در مقاله‌ای به‌کاربرد. او لغزش‌های زبانی را عامل موثری در مطالعات زبانی معرفی کرد و معتقد بود از طریق مطالعه این خطاها می‌توان واحدهای زیرساخت<sup>۱۱</sup> نظام آوایی زبان را بررسی کرد (فرامکین، ۱۹۷۳: ۲۱۷). در توضیح چگونگی رخداد لغزش‌های زبانی رویکردهای متفاوتی وجود دارد: دسته‌ای از پژوهش‌ها از دریچه روان‌شناسی زبان به این پدیده نگریسته و به بررسی جنبه‌های معینی از آن پرداخته‌اند (افخمی و اسدی مطلق، ۱۳۸۲: ۳۲). نتایج حاصل از این تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از لغزش‌های زبانی دلایل روان‌شناختی دارند.

از جمله نظریه‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی توضیح فروید<sup>۱۲</sup> روانکاو مشهور اتریشی است که لغزش‌ها را ناشی از تداخل افکار سرکوب‌شده جنسی از ناخودآگاه انسان در سخن آگاهانه او می‌داند یعنی به طور همزمان دو طرح‌ریزی گفتار در ذهن در حال انجام‌گرفتن است. او لغزش‌های زبانی را به‌طور خاص در قالب آسیب‌شناسی روانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است، اما سال‌ها پس از ایده‌های فروید بخصوص درباره حضور همیشگی انگیزه‌های جنسی در لغزش‌های زبانی، نظریه او زیر سوال رفت (هینتربر<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷: ۲۹۲). از منظر روان‌شناسی زبان لغزش‌های زبانی از چگونگی طرح‌ریزی و تولید گفتار خبر می‌دهند (فلاچی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). اچسون<sup>۱۴</sup> (۱۳۶۴) به طور مفصل انواع لغزش‌ها را بررسی کرده است و در نهایت چگونگی طرح‌ریزی گفتار را براساس آنها توضیح می‌دهد (اچسون، ۱۳۶۴: ۴۲۸). اچسون قائل به دو دسته لغزش‌زبانی است: الف- خطای انتخابی که در آن گوینده واژه نادرست را انتخاب می‌کند؛ و ب- خطای تلفیقی که در آن واژه درست انتخاب می‌شود، اما گفتار به درستی سازمان نمی‌یابد (اچسون، ۱۹۹۳: ۱۲۹). والشکوسکی<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود به بررسی نقش فاصله مشخصه‌های واجی<sup>۱۶</sup> بر رخداد لغزش‌های واجی بافتی<sup>۱۷</sup> پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این فاصله عامل اساسی در تعیین انواع لغزش‌ها است.

عصب‌شناسی زبان از دیگر حوزه‌هایی است که در رابطه با لغزش‌های زبان مطالب

ارزنده‌ای ارائه کرده است (دل و سولیوان<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۳: ۶۳). نتایج مطالعات آنها نشان می‌دهد که گفتار، طی چهار مرحله مفهوم‌سازی<sup>۱۹</sup>، شکل‌دهی به طرح زبانی<sup>۲۰</sup>، تولید طرح زبانی<sup>۲۱</sup> و بازبینی گفتار<sup>۲۲</sup> تولید می‌شود؛ یعنی طی یک مرحله تناوب، اندیشه به سخن تبدیل می‌شود (کارول، ۱۹۹۸: ۱۹۲). رودولف مرینگر<sup>۲۳</sup> زبان‌شناس استرالیایی لغزش‌های زبانی را از منظر عصب‌شناختی مورد بررسی قرارداد. او برخلاف فروید برداشتی غیرجنسی از خطای لفظی ارائه داده بود. از نظر او، این اشتباه‌ها، جابه‌جایی‌های تصادفی در واحدهای ساخت جملات هستند. برای مرینگر که دو مجموعه از اشتباه‌های لفظی رایج را منتشر کرده بود، یک اشتباه لفظی فقط یک اشتباه عادی است (فروید، مرینگر و میر<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۷: ۲۹۲). دل از منظر عصب‌شناسی زبان اسپونریزم را تعریف می‌کند. او معتقد است که نظریه فعال‌سازی-گسترش‌یافته<sup>۲۵</sup> که در تولید گفتار مطرح است کمک می‌کند که چگونگی حادث شدن این لغزش زبانی در مغز را توضیح دهیم. او معتقد است که هنگامی که گره عصبی مرتبط با یک عبارت به شکل زود هنگام در مغز فعال می‌شود و گره عصبی دیگری تاخیر داشته باشد اشتباه لفظی اسپونریزم روی داده است (دل، ۱۹۹۵: ۱۹۰). دل این ادعا را مطرح می‌کند که اشتباه‌های لفظی در واقع توانایی بالای فرد را در استفاده از زبان و اجزای آن نشان می‌دهد. از نظر دل هنگام تولید گفتار، چهار سطح متفاوت زبانی مغز که عبارت از سطح معنایی<sup>۲۶</sup>، نحوی<sup>۲۷</sup>، ساخت واژه<sup>۲۸</sup> و واج‌شناختی<sup>۲۹</sup> به صورت موازی و همزمان با یکدیگر در ارتباط هستند و گفتار از ارتباط و فعالیت میان آنها ساخته می‌شود، اما در اغلب شرایط این شبکه‌ها که در پروسه‌ای به نام فعال‌سازی-گسترش‌یافته عمل می‌کنند به نوعی با یکدیگر برخورد کرده و سکندری می‌خورند (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۱۲). نتیجه این تصادف‌ها اشتباهی لفظی است و آن طور که او معتقد است این اتفاق چیز خوبی است. چون یک سیستم تولید زبانی که امکان اشتباه در آن وجود دارد امکان خلاقیت و تولید زبانی را به وجود می‌آورد. این شاهدهی حقیقی از انعطاف‌پذیری زبانی است، چیزی که در واقع چالاک‌ی ذهن انسان را نشان می‌دهد (دل، ۱۹۹۵: ۲۰۷).

در ایران نیز مطالعاتی پیرامون این مباحث صورت گرفته است. افخمی و اسدی مطلق (۱۳۸۲) به بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی پرداخته‌اند و در پی ارائه طبقه‌بندی منسجم از خطاهای گفتار متناسب با مقتضیات زبان فارسی و بررسی رابطه متغیرهای جنسیت و

میزان تحصیلات با اجزای طبقه‌بندی، خطاهای گفتاری در محور زبانی شامل مقوله‌های واجی، ساختواژی و نحوی و محور فرازبانی شامل رابطه‌های جایگزینی، جابجایی، افزایش، حذف و تلفیق را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون‌های آنها مبین آن بود که بین دو متغیر پژوهش و اجزای طبقه‌بندی رابطه‌ای وجود ندارد و از طرف دیگر متغیر با فراوانی خطاها در اجزای طبقه‌بندی زبانی و فرازبانی رابطه دارد به طوریکه در جنس مذکر رابطه‌های حذف، افزایش و تلفیق به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند. این ترتیب در جنسیت مونث به صورت تلفیق، حذف و افزایش است (افخمی و اسدی مطلق؛ ۱۳۸۲). در پژوهشی دیگر فلاحی (۱۳۸۶) به طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال پرداخته و آنها را در دو گروه اصلی الف- لغزش‌های آوایی و ب- لغزش‌های نحوی و معنایی قرار داده و چنین نتیجه‌گیری کرده‌است بیشترین نوع لغزش‌ها، جانشینی واژگانی به دلیل شباهت معنایی و کمترین نوع لغزش‌ها افزایش آواست (فلاحی ۱۳۸۶). استاجی و نوربخش (۱۳۸۷) نیز بر اساس شواهدی از خطاهای گفتار در زبان فارسی به اهمیت هجا و ساختار درونی آن به عنوان یک واحد زبانی در جریان فرایند تولید گفتار پرداخته‌اند. به باور آنها مطالعه لغزش‌های زبانی، یعنی اشتباهاتی که گوینده به طور ناخواسته در گفتار مرتکب می‌شود و با هدف او مغایرت دارد، برای دستیابی به چگونگی فرایند تولید گفتار بیش از شواهد دیگر مثمر ثمر بوده است. تفرجی‌یگانه (۱۳۹۵) به بررسی مهمترین عوامل تاثیرگذار بر خطاهای گفتاری در جامعه پرستاری پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نوع شخصیت، استرس، خستگی و لغزش‌های زبانی ارتباط معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه اصلی‌ترین وظیفه زبان ایجاد ارتباط است و لغزش‌های زبانی اختلالی جدی در ایجاد ارتباط به وجود نمی‌آورند، مطالعه لغزش‌ها چندان مورد توجه نبوده و در نتیجه دیرینه چندان‌ی ندارد و نیاز به مطالعات وسیع‌تری در این زمینه احساس می‌شود.

### ۳. شیوه پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس گردآوری شده است. گفتار عادی ۲۴۰ کودک ۴ تا ۶ ساله فارسی‌زبان در ۴ مهدکودک شهر تهران مدت شش ماه حین بازی و انجام فعالیت‌های روزانه ضبط شد، در نهایت ۴۰ مورد

اسپونریزم از گفتار آنها استخراج شد. شایان ذکر است که وضعیت زبانی کلیه کودکان که اسپونریزمها را تولید کرده بودند به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شد و فقط اسپونریزمهایی مورد بررسی قرار گرفتند که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشت، در نتیجه از ۴۰ مورد اسپونریزم جمع آوری شده ۳۳ مورد در پژوهش بررسی شد. به منظور بررسی داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. اگرچه در تعریف و طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی یک دستی و اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما در پژوهش حاضر مطابق با تقسیم‌بندی گارمن<sup>۳۰</sup> آن‌ها را به دو دسته لغزش‌های آوایی، که در سطح واج رخ می‌دهند و لغزش‌های نحوی-معنایی، که در سطح فراتر از واج رخ می‌دهند، تقسیم‌بندی کردیم (گارمن ۱۵۱:۱۹۹۰). همان‌طور که بیان شد اسپونریزم لغزش-زبانی است که به موجب آن همخوان‌ها، واکه‌ها و یا تکواژها در غالب یک جمله، عبارت و یا کلمه با یکدیگر جابجایی شوند. در اسپونریزم‌های آوایی<sup>۳۱</sup> عامل جابجاشده واج است اما در اسپونریزم-های نحوی-معنایی تکواژها با هم جابجا می‌شوند حال آنکه این تکواژ می‌تواند تکواژ واژگانی و یا تکواژ دستوری باشد. در این پژوهش عنوان‌های جابجاشدگی آوایی<sup>۳۲</sup> و یا خطاهای تعویض-صدا<sup>۳۳</sup> به اسپونریزم‌های آوایی و همچنین عنوان‌های اسپونریزم‌های تکواژی<sup>۳۴</sup> و یا خطاهای تعویض-واژه<sup>۳۵</sup> به اسپونریزم‌های نحوی-معنایی اشاره می‌کنند. در این پژوهش ابتدا اسپونریزم‌های آوایی بررسی شدند، به عنوان مثال جابجایی همخوان-های اولیه در دو کلمه:

چیپس و پفک ← پیپس و چفک (چ و پ همخوان‌های آغازین در دو کلمه هستند.)

و یا جابجایی آواها در درون یک کلمه مانند:

تندیس ← دتتیس (د و ت دو همخوان در درون یک کلمه هستند.)

جهت بررسی دقیق‌تر اسپونریزم‌های آوایی آنها به دو زیر مجموعه تقسیم شدند:

الف) اسپونریزم‌های آوایی که در آنها واج‌های جابجاشده، همخوان هستند به عنوان مثال:

جزیره گنج ← گزیره جنج (گ و ج هر دو همخوان هستند)

ب) اسپونریزم‌های آوایی که در آن واج‌های جابجاشده، واکه می‌باشند.

لازم به ذکر است که در اسپونریزم‌های آوایی که نگارندگان گردآوری کرده‌اند موردی که در آن واکه‌ها با یکدیگر جابجا شوند موجود نیست.

در مرحله دوم اسپونریزم‌های نحوی-معنایی بررسی شدند:

همان‌طور که اشاره شد اسپونریزم تنها محدود به جابجایی آواها نمی‌شود؛ بلکه ممکن است کل کلمه یا بخشی از آن جابجا شود به عنوان مثال:

او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد.

در پایان نیز به منظور دقیق‌تر بودن تحلیل‌ها، مقوله نحوی تکواژهای جابجاشده بررسی شد، برای مثال:

کتابت را تحویلش دادم ← کتابش را تحویلت دادم (ت و ش هر دو تکواژ دستوری هستند)

دستم خورد توی چشمش ← چشمم خورد توی دستش (دست و چشم هر دو تکواژ واژگانی هستند)

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های برگرفته از گفتار عادی کودکان ۴-۶ ساله فارسی‌زبان بررسی می‌شود. فرضیه اول پژوهش عبارت بود از این که درصد خطای اسپونریزم آوایی و تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست. برای بررسی این فرضیه باعنایت به اینکه طیف مورد استفاده اسمی دو بعدی می‌باشد از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. جدول شماره ۱ نتایج حاصل از مقایسه درصد وقوع اسپونریزم آوایی با اسپونریزم تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان را به کمک آزمون دو جمله‌ای نشان می‌دهد.

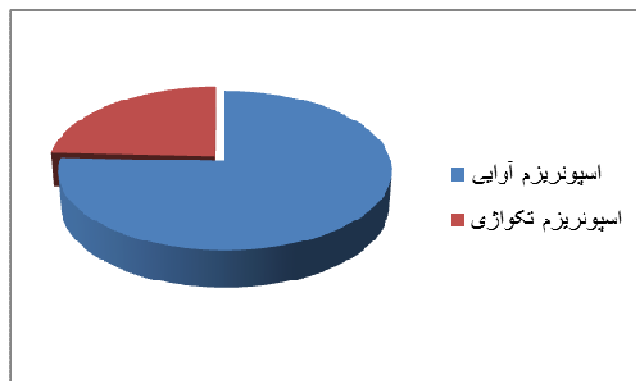
جدول ۱: آزمون دو جمله‌ای مربوط به مقایسه درصد وقوع اسپونریزم آوایی با اسپونریزم تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان

اسپونریزم	طبقه‌بندی	تعداد	سهم مشاهده شده	آزمون سهم	سطح معناداری
آوایی	۱۰۰	۲۵	۰.۷۶	۰.۵۰	۰.۰۰۵
تکواژی	۲۰۰	۸	۰.۲۴		
جمع		۳۳	۱.۰۰		

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  که همان فرضیه تحقیق می‌باشد مورد تایید قرار می‌گیرد ( $p\text{-Value} < 0.05$ ). یعنی درصد خطای اسپونریزم آوایی و تکواژی در کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست. همان‌طور که میزان درصد فراوانی



اسپونریزم‌های آوایی برابر ۷۵/۷۵٪ بوده و اسپونریزم‌های تکواژی برابر ۲۴/۲۴٪ می باشد در نتیجه می توان گفت که نسبت تعویض-صدا بیشتر از تعویض-واژه در گفتار عادی کودکان است به عبارت دیگر درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات در مغز کودکان است. نمودار ۱ نسبت وقوع اسپونریزم آوایی به اسپونریزم تکواژی را نشان می دهد.



نمودار ۱: نسبت وقوع اسپونریزم آوایی به اسپونریزم تکواژی

همچنین از مقایسه اسپونریزم‌های آوایی و اسپونریزم‌های تکواژی ملاحظه شد در مورد اسپونریزم‌های آوایی ۱۴ مورد از اسپونریزم‌ها در غالب کلمات مجزا (۵۶ درصد) می‌باشند و ۱۱ مورد از اسپونریزم‌های آوایی در درون یک کلمه (۴۴ درصد) هستند اما در رابطه با اسپونریزم‌های تکواژی همه آنها در غالب کلمات مجزا در عبارت و یا جمله مشاهده شده‌اند و اصلا موردی در درون یک کلمه ملاحظه نشد. یکی از عوامل مشترک در اسپونریزم‌های آوایی، بحث مجاورت<sup>۳۶</sup> است. با توجه به بررسی داده‌ها می‌توان گفت که آواهای جابجاشده تمایل - دارند در محیط‌های مجاور و حتی‌المقدور نزدیک به هم جابجا شوند. این مطلب هم در مورد اسپونریزم‌های آوایی درون کلمه و هم در مورد اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا صدق می‌کند. اسپونریزم‌های آوایی درون کلمه نشان می‌دهند که آواهای جابجا شده در کلمات، اغلب یا درون یک هجا و یا در دو هجای مجاور<sup>۳۷</sup> هستند:

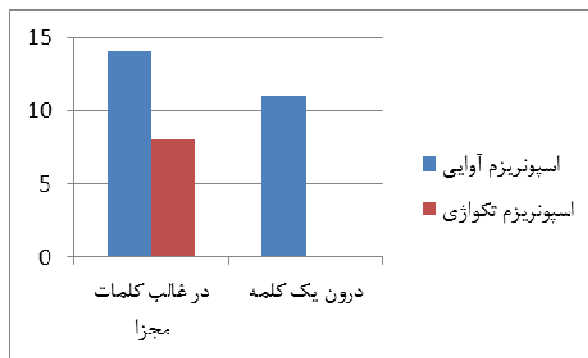
دوچرخه ← دوخرچه (چ و خ در دو هجای مجاور هستند)

زمین ← زنی(م و ن در یک هجا هستند)

این مطلب درباره اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا نیز صدق می‌کند. البته در این دسته از اسپونریزم‌ها نگارندگان هجاهای کل عبارت یا جمله را ملاک قرار داده، نه صرفاً هجاهای یک کلمه را. نتایج حاصل نشان می‌دهد که آواهای جابجا شده نسبتاً در فاصله نزدیک به هم قرار دارند به عنوان مثال:

پیتزا قارچ و گوشت ← پیتزای گارچ و قوشت

اما فاصله بین تکواذهای جابجا شده در اسپونریزم تکواژی به نسبت بیشتر از فاصله بین دو واج در اسپونریزم آوایی است. به عبارت دیگر، میانگین واج‌های موجود بین دو تکواژ جابجا شده در اسپونریزم تکواژی در جمله معادل ۵ واج است اما میانگین واج‌های موجود بین دو واج جابجا شده در اسپونریزم آوایی معادل ۲ واج است در نتیجه دو تکواژ جابجا شده در اسپونریزم تکواژی از هم دورترند تا دو واج جابجا شده در اسپونریزم آوایی است، بنابراین می‌توان گفت که برنامه‌ریزی لغات در مغز کودکان در مراحل اولیه زودتر از برنامه‌ریزی صدا رخ می‌دهد. این مشاهده، گواهی است بر انگاره‌های تولیدی زبان که مفهوم‌سازی در قالب گزینش اقلام واژگانی را مقدم بر سطح تولید آوایی می‌دانند. به عبارت دیگر این یافته در راستای انگاره‌سازی‌های تولید گفتار است. نمودار ۲ نسبت وقوع اسپونریزم در درون کلمه در مقایسه با اسپونریزم در غالب کلمات مجزا را در هر دو نوع آوایی و تکواژی نشان می‌دهد.



نمودار ۲: نسبت وقوع اسپونریزم در درون کلمه در مقایسه با اسپونریزم در غالب کلمات مجزا در اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی

اکنون به تجزیه و تحلیل اسپونریزم‌های آوایی و اسپونریزم‌های تکواژی با جزئیات بیشتر می‌پردازیم:

در ابتدا این سوال به ذهن می‌رسد که آیا اسپونریزم‌ها از الگوی منظمی پیروی می‌کنند؟ برای پاسخ به این پرسش از اسپونریزم‌های آوایی شروع می‌کنیم. همان‌طور که بیان شد، اسپونریزم‌های آوایی در دو گروه مستقل بررسی شدند. اسپونریزم‌های آوایی که در درون یک کلمه هستند و همچنین اسپونریزم‌های آوایی که در درون کلمات مجزا می‌باشند. شباهت‌هایی که در اسپونریزم‌های این دو گروه ملاحظه شد، عبارتند از:

۱- در ۵۳.۳۳ درصد از اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا واج‌های یکسانی (همخوان و یا واکه) بعد از آواهای جابجا شده ملاحظه شد:

شکلات صُبْحانه ← صُکلات شُبْحانه (واکه- بعد از همخوان های ش و ص آمده است)  
در مورد تمامی اسپونریزم‌های آوایی در داخل کلمات نیز چنین چیزی مشاهده شد:  
مصادف ← مِداصف (دو همخوان ص و د با یکدیگر جابجا شده‌اند که بعد از همخوان‌ها واکه‌های a و - آمده‌اند)

پس می‌توان نتیجه گرفت که در اغلب اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا و در داخل یک کلمه، یک واج یکسان بعد از آواهای جابجا شده وجود دارد.

۲- در هیچ یک از اسپونریزم‌های این دو گروه یک همخوان با یک واکه جابجا نشده است. به عبارت دیگر همخوان فقط با همخوان‌ها و واکه فقط با واکه‌ها جابجا می‌شوند. گارت<sup>۳۸</sup> (۱۹۷۵) در تعمیم‌های چهارگانه خود به این نکته اشاره کرده است. او معتقد است که در فرایند لغزش‌های زبانی هر دو واحد یکسانند مثلاً هر دو همخوان هستند. (کارول ۱۹۹۸: ۱۹۴) به عنوان مثال:

جزیره گنج ← گزیره جنج (گ و ج هر دو همخوان هستند)  
کره و پنیر ← پره و کنیر(ک و پ هر دو همخوان هستند)  
همان‌طور که بیان شد در اسپونریزم‌های آوایی که نگارندگان گردآوری کرده‌اند موردی که در آن واکه‌ها با یکدیگر جابجا شوند موجود نیست.

۳- آواهای جابجا شده دست کم در یکی از سه مشخصه محل تولید، شیوه‌ی تولید و واکه-داری با یکدیگر مشابه‌اند. به عبارت دیگر هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانندتر

باشند، امکان جابجایی آن‌ها بیشتر است. به عنوان مثال در مثال فوق "گ و ج" هر دو بیواک هستند. در مورد "ک و پ" نیز هم از نظر شیوه‌ی تولید همانند هستند زیرا هر دو انفجاری هستند و هر دو واکدار هستند.

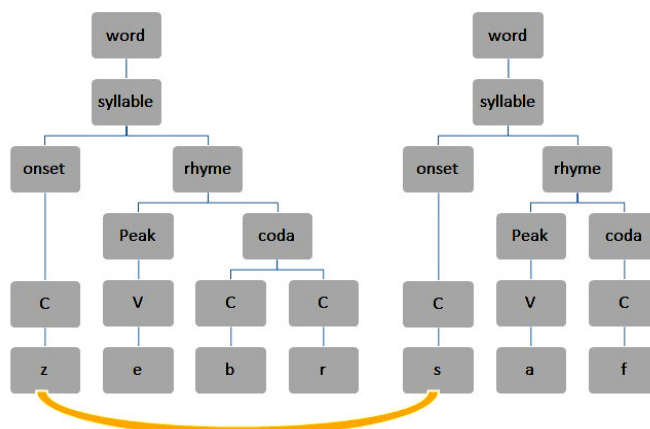
۴- در اسپوندریزم‌های آوایی جایگاه تکیه ثابت می‌ماند به عنوان مثال:

قیافه خفن ← قیافه قفن

علاوه بر شباهت‌ها و تفاوت‌های مطرح شده در مورد اسپوندریزم‌های آوایی در کلمات مجزا می‌توان فرضیه شباهت هجایی<sup>۳۹</sup> را نیز مطرح کرد. طبق این فرضیه واج‌های آغاز هجا نمی‌توانند با واج‌های پایانه هجا جابجا شوند. بلکه واج‌های آغاز هجا با آغاز هجا، واج‌های قله هجا با قله هجا و واج‌های پایانه هجا با پایانه هجا جابجا می‌شوند. (بومر و لاور ۱۹۶۸: ۲-۱) گارت نیز به این مطلب اشاره کرده است، به عنوان مثال:

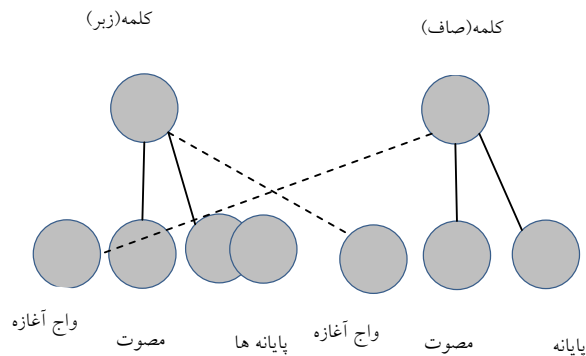
زبر و صاف ← صبر و زاف (آغاز هجا - آغاز هجا)

طرح آوایی و نمودار زیرساختی مثال فوق در نمودار ۳ نمایش داده شده است. در این طرح آوایی ساختار هجایی هر یک از کلمات با جزئیات کامل مشخص شده است.



نمودار ۳: طرح آوایی اسپوندریزم "زبر و صاف" ← صبر و زاف

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این اسپونریزم همخوان‌های آغاز هجا با یکدیگر جابجا شده‌اند، انگاره تعاملی زیر این تغییرات را نشان می‌دهد.



نمودار ۴: انگاره تعاملی اسپونریزم "زیر و صاف" ← صبر و زاف"

بررسی داده‌ها نشان می‌دهند که ۱۴ مورد (۱۰۰ درصد) از ۱۴ اسپونریزم‌آوایی در کلمات مجزا و ۴ مورد از ۱۱ اسپونریزم‌آوایی درون کلمه (۳۶.۳۶ درصد) آغاز هجا هستند که در مجموع ۷۲ درصد از اسپونریزم‌های آوایی آغاز هجا هستند پس می‌توان نتیجه‌گرفت که همخوان‌های آغازین تمایل بیشتری برای جابجاشدن دارند به عبارت دیگر اغلب اسپونریزم‌های آوایی حاصل جابجایی همخوان‌های آغازین با دیگر همخوان‌ها هستند در نتیجه می‌توان ادعا کرد که آغاز هجا در ساختار کلمات کودکان نسبت به هسته و پایانه هجا آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

اکنون به بررسی اسپونریزم‌های تکواژی می‌پردازیم.

در رابطه با اسپونریزم‌های آوایی چنین بیان‌شد که هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانند باشند، امکان جابجایی آن‌ها بیشتر است. در مورد اسپونریزم‌های تکواژی نیز این مطلب صدق می‌کند بجز یک مورد در بقیه موارد تکواژهای جابجاشده هم وزن می‌باشند به عنوان مثال:

او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد. (ابراز و احساس هردو بر

وزن CVC CVC هستند.)

با توجه به نمونه‌های گردآوری شده اسپونریزم‌های تکواژی در درون یک کلمه اتفاق نمی‌-

افتند بلکه آنها در سطح جمله یا فراتر از مرز یک جمله در غالب دو جمله اتفاق می افتند. گارت به این قاعده نیز اشاره کرده است که برخی از لغزش‌های زبانی مانند مبادله آوایی (اسپونریزم آوایی) فقط در درون کلمه و یا عبارت صورت می گیرند ولی مبادله واژه (اسپونریزم تکواژی) در مرز فراتر از جمله نیز امکان رویداد دارند. (گارت ۱۹۹۰: ۷۵) مانند:

آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد.

آمد چشمش را درست کند، ابرویش را کور کرد.

(اسپونریزم تکواژی در مرز فراتر از جمله)

چنانچه اسپونریزم‌های تکواژی در یک جمله صورت گیرند اغلب در کمترین فاصله می باشند. چنانچه در دو جمله باشند به لحاظ جایگاهی تکواژهای جابجا شده در جایگاه‌های یکسانی در جمله قرار دارند مثال:

پنج تا عروسک بخر، هفت تا آب‌نبات.

هفت تا عروسک بخر، پنج تا آب‌نبات.

(پنج و هفت هر دو در جایگاه آغازین جمله قرار دارند.)

مانند اسپونریزم‌های آوایی، جایگاه تکیه در اسپونریزم‌های تکواژی نیز ثابت است و تغییر نمی‌کند؛ و همچنین اغلب اسپونریزم‌های تکواژی نیز از نوع تکواژ آغازین هستند (۸۷.۵ درصد). در این بخش فرضیه دوم پژوهش بررسی شد. فرضیه دوم تحقیق عبارت بود از این که آغاز هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. برای بررسی این فرضیه باعنایت به اینکه طیف مورد استفاده اسمی دو بعدی می باشد از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد.

جدول ۲: مقایسه درصد وقوع اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی که درآغاز هجا حادث می شوند با اسپونریزم‌های قله هجا و پایانه به کمک آزمون دو جمله‌ای

متغیرها	طبقه بندی	تعداد	سهم مشاهده شده	آزمون سهم	سطح معناداری
آغاز هجا		۲۴	۰.۷۳		
غیرآغاز هجا	۱.۰۰	۹	۰.۲۷	۰.۵۰	۰.۰۱۴
(قله هجا یا پایانه هجا)	۰.۰۰	۳۳	۱.۰۰		
جمع					

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه H0 رد و فرضیه H1 که همان فرضیه تحقیق می‌باشد مورد تایید قرار می‌گیرد (p- Value < 0.05) به عبارت دیگر آغازه هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است.

در مورد اسپونریزم‌های تکواژی الزاما واج یکسانی قبل و بعد از تکواژ جابجاشده نمی‌آید. در هیچ یک از ۸ مورد گردآوری شده چنین چیزی مشاهده نشده است اما قاعده گارت در رابطه با لغزش‌های زبانی مبنی بر اینکه هر دو واحد یکسانند، در مورد این نوع از اسپونریزم‌ها نیز صدق می‌کند زیرا تکواژهای جابجاشده از یک مقوله هستند مثال:

کتابت را تحویلش دادم. ← کتابش را تحویلش دادم.

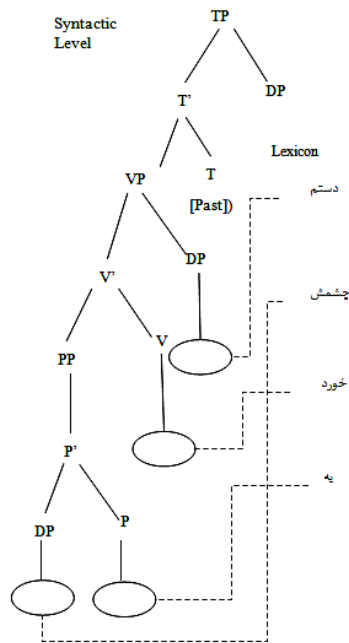
(ت و ش هر دو ضمیر متصل هستند.)

دستم خورد توی چشمش ← چشمم خورد توی دستش

(دست و چشم هر دو اسم هستند.)

این مطلب تأکیدی است بر "مامور ترافیک نحوی"<sup>۴۱</sup> در مغز که توسط دل، اپنهم<sup>۴۱</sup> و کیتیرج<sup>۴۲</sup> مطرح شد. آنها معتقدند در فرآیند تولید کلام مأموری در مغز داریم که ما را از لغاتی که متعلق به مقوله نحوی مناسب نیستند باز می‌دارد (دل، اپنهم و کیتیرج: ۲۰۰۸، ۵۸۴). بررسی اسپونریزم‌های نحوی نشان می‌دهد هنگام جابجایی تصادفی تکواژها در کلام نیز چنین مأموری بر صحت همسانی مقوله نحوی نظارت دارد. همان‌طور که در این مثال‌ها دیده می‌شود، یکی از الگوهای خاص موجود در اسپونریزم عبارت است از اینکه هر دو واحد جابجا شده یکسانند، که این قاعده در مورد اسپونریزم‌های تکواژی نیز صدق می‌کند زیرا تکواژهای جابجا شده از یک مقوله هستند و منجر به تشکیل واژه‌های جدید در کلام می‌شود، واژه‌های جدیدی که از جابجایی این واحدها حاصل می‌شوند اغلب خنده دارند. (البته گاهی از این جابجایی‌ها صورت‌هایی حاصل می‌شود که واژه نیستند). اما نکته مهم از بعد روان‌زبان‌شناختی همین جاست: قبل از تولید جمله توسط فرد، طرح کل جمله باید مشخص شود تا چنین جابجایی‌هایی رخ دهد. در غیر این صورت چگونه ممکن است در مثال "کتابت را تحویلش دادم." که کودک به صورت "کتابش را تحویلش دادم." بیان کرده است، آخرین واحد آوایی سومین واژه، یعنی ضمیر متصل (ش) به عقب آورده شود به گونه‌ای که پنجمین واحد آوایی اول شود؛ و یا در مثال "دستم خورد توی چشمش." که به صورت "چشمم خورد توی دستش." بیان شده

جایگاه دو تکواژ "دست" و "چشم" که هر دو مقوله نحوی یکسان دارند و اسم هستند با یکدیگر جابجا شده‌اند. به عبارت دیگر این اسپونریزم نیز مانند دیگر اسپونریزم‌ها از قانون مقوله نحوی<sup>۳</sup> یکسان تبعیت می‌کند. یکی از روش‌ها برای توضیح بیشتر این قانون چنین فرض می‌کند که این خطاها در خلال بازنمود نحوی<sup>۴</sup> واحدهای گفته حادث می‌شوند. به‌طور خاص، فرایند ساخت چنین خطایی این‌گونه توضیح داده می‌شود: براساس معنای مورد نظر و از پیش تعیین شده در گفته (بازنمود معنایی<sup>۵</sup>)، واژه‌ها از واژگان ذهنی<sup>۶</sup> که همان مخزن کلمات در ذهن است، بازیابی می‌شوند. برای مثال برای ساخت جمله فوق ابتدا باید کلمات "دست، چشم و خورد" بازیابی شوند. سپس یک طرح نحوی ساخته شود که این طرح نشان دهنده ساختار زیربنایی جمله است. این طرح و مثالی از آن در نمودار ۵ ارائه شده است.



نمودار ۵: طرح کلی جمله "دستم خورد تو چشمم."



همان‌طور که ملاحظه می‌شود این طرح نحوی، روابط نحوی بین کلمات را در یک جمله نشان می‌دهد و به‌خودی خود فاقد واژگان است بلکه دارای فضاهای خالی<sup>۴۷</sup> است که واژگان با توجه به مقوله دستوری‌شان باید در این فضاهای خالی قرار بگیرند. در مثال فوق یک گروه اسمی ملاحظه می‌شود که دربرگیرنده اسم و ضمیر متصل است و در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد، به دنبال آن یک فعل در زمان گذشته ساده آمده است و همچنین یک گروه اسمی دیگر که متشکل از اسم و ضمیر متصل است و مفعول مستقیم فعل است. اما سوال اینجاست که طی چه فرایندی این کلمات در فضاهای خالی طرح فوق قرار می‌گیرند؟ عنوانی که هریک از فضاها دارند کلمات را هدایت می‌کنند مثلاً اینکه "خورد" در جایگاه فعل قرار می‌گیرد اما مشکل اصلی در این مثال گروه‌های اسمی هستند. احتمالاً باز نمود معنایی که در مخزن کلمات مغز وجود دارد بین دو گروه اسمی تمایز گذاشته و "دست" که می‌تواند در جایگاه فاعل بشیند را در جایگاه قبل از فعل و "چشم" که ماهیت مفعولی دارد را به جایگاه خالی بعد از فعل هدایت می‌کند. خطاهایی از این قبیل که از قاعده مقوله نحوی تبعیت می‌کنند و در مواردی خاص جایگاه واحدها را جابجا می‌کنند، شاهد مناسبی برای این مطلب هستند که جملات از طریق قراردادن واحدهای کلمه<sup>۴۸</sup> در فضاهای خالی نامگذاری شده در طرح نحوی مرتبط با جمله، ساخته می‌شوند و البته در برخی از موارد واحدهای کلمات در این طرح نحوی جابجا می‌شوند. همان‌طور که در این مثال ملاحظه شد واژگان آسیبی ندیده‌اند بلکه روش‌های سازماندهی آنها در مغز مختل شده است. به کمک نظریه فعالسازی-گسترش‌یافته دل می‌توان این جابجایی را توضیح داد. در این نظریه فرض بر این است که پردازش در تمام سطوح (معنایی و نحوی) به صورت موازی رخ می‌دهد. علاوه بر این، پردازش تعاملی<sup>۴۹</sup> است، یعنی فرآیندها در هر سطحی بر فرآیندهای سطوح دیگر تأثیر می‌گذارند. در این نظریه قوانین مقوله‌بندی برای سطوح معنایی، نحوی، تکواژ و واجی تولید گفتار وجود دارد. علاوه بر قوانین مقوله‌ای، واژگان یا لغتنامه به صورت شبکه‌ای مرتبط وجود دارد که حاوی گره‌هایی برای مفاهیم، لغات، تکواژها و واج‌ها است. با توجه به قوانین ورود<sup>۵۰</sup> اقلامی برای نمایش جمله‌ای که قرار است گفته شود انتخاب می‌شود به این منظور ابتدا گره متعلق به مقوله مناسب انتخاب می‌شود. برای مثال در جمله فوق قوانین مقوله‌ای در سطح نحوی نشان می‌دهند که یک گروه اسمی در ابتدای جمله نیاز داریم. گروه اسمی که گره آن فعالتر است انتخاب خواهد شد. لازم به‌ذکر است سطح فعالسازی

یک واحد انتخاب شده فوراً به صفر کاهش می‌یابد. بنابراین اگر اسم "چشم" از خیلی قبل انتخاب شده باشد، احتمال اینکه مجدداً در جای صحیح خود در جمله انتخاب شود وجود ندارد. در نتیجه براساس نظریه فعال‌سازی گسترش‌یافته، می‌توان گفت اولاً قبل از بیان جمله یک طرح کلی در مغز از روابط نحو و واژگان شکل می‌گیرد ثانیاً خطای گفتار زمانی رخ می‌دهد که کلمه نادرست فعالیت از کلمه صحیح باشد.

این مطالب نشان می‌دهد که برای بیان جمله باید ابتدا طرح کلی مرتبط با آن در مغز شکل گیرد و اینکه احتمالاً خطاهایی در فرایند فعال‌سازی یک واحد در مغز باعث می‌شود چنین خطاهایی در کلام ظاهر شوند و مثلاً جایگاه دو اسم جابجا شده و به صورت نادرست بیان شود؛ در نتیجه می‌توان پیشنهاد داد عنوان "خطاهای مغزی" عنوان مناسب‌تری برای "لغزش‌های کلامی" باشد.

باتوجه به مطالب فوق می‌توان گفت تجزیه و تحلیل لغزش‌های زبانی از جمله موضوعاتی است که نیاز به مطالعه در حوزه‌های مختلف دارد و لزوم انجام مطالعات میان‌رشته‌ای در این حوزه بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولید شده توسط کودکان فارسی‌زبان به منظور تعیین نقش اصول حاکم بر این لغزش زبانی است تا بتوانیم از این طریق عملکرد نظام ذهنی در فرآیند تولید آنها را پیش‌بینی کنیم. تجزیه و تحلیل اسپونریزم‌های کلام کودکان فارسی‌زبان نشان می‌دهد که اگر چه در گفتار تصادفی حادث می‌شوند اما نظم خاصی بر آنها حاکم است به عبارت دیگر زنجیره‌های واج‌شناسی در ایجاد آنها دخیل‌اند که عبارتند از: هر دو واحد جابجا شده در اسپونریزم‌ها یکسانند، در اسپونریزم‌های آوایی همخوان‌ها فقط با همخوان‌ها جابجا می‌شوند. در اسپونریزم‌های تکواژی نیز تکواژهای جابجا شده هم‌مقوله هستند. همچنین هرچه دو واج و یا دو تکواژ شباهت بیشتری با یکدیگر داشته باشند امکان جابجا شدن آنها بیشتر است. در اسپونریزم‌های آوایی واج‌ها در یکی از سه مشخصه محل-تولید، شیوه‌ی تولید و واکداری با یکدیگر مشابهند، در اسپونریزم‌های تکواژی نیز تکواژهای جابجا شده اغلب هم‌وزن هستند. بررسی اسپونریزم‌های کلام کودکان نشان داد واج‌ها و

تکواژهای جابجاشده از یک محیط آوایی هستند. آغازه‌ها با آغازه‌ها، قله‌ها با قله‌ها و پایان‌ها با پایان‌ها. در گفتار کودکان فارسی‌زبان درصد جابجایی آغازه‌ها به نسبت بیشتر از موارد دیگر است در نتیجه می‌توان ادعا کرد که آغازه‌ها در ساختار کلمات کودکان نسبت به هسته و پایانه‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

علاوه بر این از مقایسه اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی در گفتار عادی کودکان فارسی‌زبان ملاحظه شد درصد وقوع اسپونریزم‌های آوایی خیلی بیشتر از اسپونریزم‌های تکواژی است در نتیجه می‌توان گفت در کلام کودکان فارسی‌زبان درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

همچنین از مقایسه اسپونریزم‌های تکواژی و اسپونریزم‌های آوایی می‌توان نتیجه گرفت که دو تکواژ در خطاهای تبادل واژه در جمله نسبت به دو واج در خطاهای تبادل آوایی از هم دورتر هستند. این موضوع نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی لغات در مراحل اولیه زودتر از برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان رخ می‌دهد.

در نهایت به کمک نظریه فعالسازی-گسترش‌یافته می‌توان علت و چگونگی جابجایی‌ها را مغز توضیح داد. همانطور که اشاره شد قانون مقوله نحوی یکسان که در این نظریه مطرح می‌شود در اسپونریزم‌های تکواژی نیز ملاحظه می‌شود و تأکیدی بر برنامه‌ریزی قبلی جمله در مغز است. به عبارت دیگر با توجه به این نظریه می‌توان گفت اولاً قبل از بیان جمله یک طرح کلی در مغز از روابط نحو و واژگان شکل می‌گیرد ثانیاً خطای گفتار زمانی رخ می‌دهد که کلمه نادرست فعلتر از کلمه صحیح باشد. همان‌طور که اشاره شد در رابطه با تولید جمله در حالت عادی نمی‌توان گفت که گفته فرد بدون هیچ سازوکار مشخصی در ذهن ساخته شده و توسط فرد بیان می‌شود، بلکه فرامکین<sup>۱</sup> معتقد است قواعد خاص و مشخصی برای تولید گفتار در مغز وجود دارد (فرامکین، ۱۹۷۳: ۸۴). باتوجه به نتایج این پژوهش می‌توان از نگاه روان‌زبان‌شناختی چنین ادعا کرد که اسپونریزم نیز از این امر مستثنی نیست و وقوع آن در مغز اتفاقی نبوده و سازوکار مشخصی دارد و در واقع اشتباهاتی هستند که مغز به هنگام سازماندهی پیام‌های زبانی مرتکب می‌شود در نتیجه می‌توان به‌جای اصطلاح "لغزش زبانی" اصطلاح "لغزش مغز" را برای اشاره به این موارد مطرح کرد.

باتوجه به مطالب فوق می‌توان ادعا کرد که مطالعه این خطاها می‌تواند در مورد شناخت

نحوه تولید جمله در گفتار و همچنین چگونگی عملکرد مغز بسیار روشنگر باشند و از طریق مطالعه آنها می‌توان بینشی کسب کرد که چگونه نظام ذهنی پیچیده در فرآیند تولید گفتار عمل می‌کند.

پیشنهاد می‌شود در صورت امکان پژوهشی مشابه بررسی شود آیا قواعد بیان شده در گفتار کودکان از جمله تکیه کلمات، محیط آوایی و مشابهت عوامل جابجاشده در گفتار افراد بزرگسال نیز مشاهده می‌شود؟ به عبارت دیگر نقش سن افراد در بروز اسپونریزم چیست؟ آیا جنسیت، هوش و موقعیت اجتماعی فرد در بروز اسپونریزم نقش موثری دارد؟ همچنین می‌توان اسپونریزم در زبان فارسی را با اسپونریزم در دیگر زبان‌ها مقایسه کرد و بررسی شود که آیا قواعد موجود در اسپونریزم‌های زبان فارسی در دیگر زبان‌ها نیز صدق می‌کند؟ باتوجه به اینکه نگارندگان در این مقاله امکان پرداختن به مراحل تولید گفتار و نقش لغزش‌های زبانی در شناخت و تبیین آن‌ها را نداشته، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در این زمینه نیز انجام شود؛ و در نهایت باتوجه به مشاهده سازوکاری مشخص در اسپونریزم، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی بررسی شود که آیا سازوکار مشابهی نیز در زبان‌پریشی‌ها وجود دارد؟

از مهمترین محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان ضبط و ثبت دائم گفتار کودکان بود. باتوجه به اینکه اسپونریزم امری طبیعی و البته کاملاً تصادفی است، محققان بر زمان و محل وقوع آن کنترل ندارند و فقط باید منتظر وقوع آن باشند، بدین ترتیب امکان تحلیل تمامی اسپونریزم‌های تولید شده، نیست.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. William Spooner
2. Robbins
3. speech error
4. slip of tongue
5. malapropism
6. reversal
7. Crystal
8. Caplan
9. Yule
10. Fromkin
11. underlying units

12. Freudian explanation
13. Hinterhuber
14. Aitchison
15. Waleschkowski
16. feature distance
17. contextual phonological errors
18. Dell & Sullivan
19. conceptualization
20. formulating
21. articulating
22. monitoring
23. Rudolf Meringer
24. Mayer
25. spreading activation theory
26. semantic level
27. syntactic level
28. morphological level
29. phonological level
30. Garman
31. phonetic spoonerism
32. phonetic transposition
33. sound-exchange errors
34. morphemic spoonerism
35. word-exchange errors
36. proximity
37. adjacent syllables
38. Garret
39. syllabic similarity
40. syntactic traffic cop
41. Oppenheim
42. Kittredge
43. syntactic category rule
44. syntactic representation
45. semantic representation
46. mental lexicon
47. slots
48. word units
49. interactive
50. insertion rules
51. Fromkin

## ۷. منابع

- آهلسن، الیزابت. (۱۳۹۳). *درآمدی بر عصب‌شناسی زبان*. ترجمه فاطمه نعیمی حشکوائی. تهران: جهان کتاب.
- آیزنیک، مایکل؛ کین، مارک. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی شناختی زبان و تفکر*. ترجمه حسین زارع و مهدی باقرپسندی. تهران: انتشارات ارجمند.
- اچسون، جین. (۱۳۶۴). *روان‌شناسی زبان*. ترجمه عبدالخلیل حاجتی. تهران: امیرکبیر.
- استاجی، اعظم؛ نوربخش، سهیلا. (۱۳۸۷). اهمیت هجا و ساختار درونی آن به عنوان یک واحد زبانی در جریان فرآیند تولید گفتار (براساس شواهدی از خطاهای گفتار در زبان فارسی). *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی-پژوهشی)*. صفحه ۲۲-۲۹.
- افخمی، علی؛ اسدی مطلق، محمدرضا. (۱۳۸۲). بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. صفحه ۳۱-۴۹.
- تفرجی‌یگانه، مریم. (۱۳۹۵). بررسی و شناسایی مهمترین عوامل موثر بر خطاهای گفتاری در جامعه پرستاران. *فصلنامه علمی-پژوهشی یافته*. دوره: ۱۸. شماره: ۴.
- فلاحی، محمدهادی. (۱۳۸۶). بررسی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال. *فصلنامه زبان و زبان‌شناسی*. ش ۵. تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران. صفحه ۱۲۷-۱۳۶.
- ملایری، سعید؛ جعفری، زهرا؛ عشایری، حسن. (۱۳۸۸). *آزمون سنجش رشد نیشا*. تهران: دانژه. چاپ دوم.
- Aitcheson, Jean. (1993). *Linguistics*. I odder & Stoughton.
- Caplan, David. (1992). *Language: Structure, Processing and Disorders*. MIT Press.
- Carroll, David. (1998). *Psychology of language, (3<sup>rd</sup>ed)*. Cole Publishing Company.
- Crystal, David. (1987). *The Cambridge encyclopedia of language*. Rep. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dell, Gary. (1995). Speaking and misspeaking. *An invitation to cognitive science*. Vol:1. 183—208.
- Dell, Gary & Sullivan, Jason M. (2003). Speech errors and language production: neuropsychological and connectionist perspectives. *Psychology*

- of Learning and Motivation*. Elsevier, No:44. 63-108.
- Dell, Gary., Oppenheim, Gary., & Kittredge, Audrey. (2008). Saying the right word at the right time: Syntagmatic and paradigmatic interference in sentence production. *Language and Cognitive Processes*. Vol: 23.No: 2. 583-608.
  - Freud, Sigmund; Meringer, Rudolf ; Mayer, Carl. (2007). slips of the tongue and mis-readings. The history of a controversy. *Neuropsychiatrie: Klinik, Diagnostik, Therapie and Rehabilitation*. Vol: 21. No:4. 291—301.
  - Fromkin, Victoria A. (1973). *Speech errors as linguistic evidence*. Paris: Mouton.
  - Garret, Merrill F. (1990). *Sentence processing*. The MIT Press
  - Graman, Michael. (1990). *Psycholinguistics. Cambridge textbooks in linguistics*. Cambridge University Press.
  - Robbins, Rossell Hope.(1966). The warden's wordplay: Toward a redefinition of the Spoonerism. *The Dalhousie Review*.
  - Yule, Gorge. (1996). *The Study of Language, (2<sup>nd</sup> ed)*. Cambridge: Cambridge University Press.

## ۸. پیوست‌ها

### پیوست ۱- اسپونریزم‌های آوایی

ردیف	نمونه
۱	پیتزای قارچ و گوشت ← پیتزای گارچ و قوشت
۲	جزیره گنج ← گزیره جنج
۳	قوری گل‌قرمزی ← قوری قل‌گرمزی
۴	گنج‌قارون ← قنج‌گارون
۵	چیپس و پفک ← پیپس و چفک
۶	زبر و صاف ← صبر و زاف
۷	قیافه خفن ← خیافه قفن
۸	کبد چرب ← چبد کرب
۹	کره و پنیر ← پره و کنیر
۱۰	شُکلات صُبْحانه ← صُکلات شُبْحانه

۱۱	تیکه‌های چوب ← چیکه‌های توب
۱۲	خانه و کاشانه ← کانه و خاشانه
۱۳	سیب نشسته ← شیب نسسته
۱۴	چنیس پیازجعفزی ← پیپس چپازجعفزی
۱۵	زمین ← زنیم
۱۶	تصادف ← تفادص
۱۷	یارانه ← رایانه
۱۸	دمدمی مزاج ← دمدمی مجاز
۱۹	مصادف ← مداصف
۲۰	دوچرخه ← دوخرچه
۲۱	تندیس ← دنتیس
۲۲	راننده ← نارنده
۲۳	مواظب ← مظاوب
۲۴	فرايض ← فیارض
۲۵	منبسط ← مسببط

### پیوست ۲- اسپونریزم‌های تکواژی

ردیف	نمونه
۱	کتابت را تحویلش دادم. ← کتابش را تحویلت دادم.
۲	او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد.
۳	دستم خورد توی چشمش. ← چشمم خورد توی دستش.
۴	آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد. ← آمد چشمش را درست کند، ابرویش را کور کرد.
۵	پنج تا عروسک بخر، هفت تا آب‌نبات. ← هفت تا عروسک بخر، پنج تا آب‌نبات.
۶	سفینه فضایی می‌خوام. ← فضینه سفایی می‌خوام.
۷	قلیم اومد تو حلقم. ← حلقم اومد تو قلیم.
۸	مگه ما کاسه داغ‌تر از آشیم ← مگه ما کاسه آش‌تر از داغیم.